

بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط با زنان در نهج‌البلاغه

مینا زندرحیمی^{۱*}، الهه آخوندی^۲

۱- مربی گروه زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان،
ایران
۲- دانش آموخته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان،
کرمان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۶

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در نهج‌البلاغه مورد توجه و بحث قرار گرفته است، زنان هستند. جایگاه زنان در کلام حضرت علی (ع) بعضاً محل اختلاف بین مترجمان بوده و بحث‌های فراوانی را در پی داشته است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا به این دو پرسش پاسخ دهیم که آیا جنسیت و ایدئولوژی مترجم می‌تواند تفاوتی در ترجمه متن کتابی مذهبی همچون نهج‌البلاغه ایجاد کند و مترجمان زن و مرد از چه دسته‌بندی‌هایی بر اساس مدل تحلیل انتقادی گفتمان فرحزاد و چه راهکارهایی بر اساس مدل زوبرگا در جهت اعمال ایدئولوژی خود استفاده کرده‌اند. مقاله حاضر، با هدف بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های مربوط به زنان در نهج‌البلاغه با توجه به ترجمه محمد دشتی و ناهید آقا میرزایی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که در ترجمه این سخنان، ایدئولوژی مترجمان نقش بسزایی داشته است و منجر به تفاوت‌های چشمگیری در ترجمه‌های آن‌ها شده است. همچنین بررسی تأثیر جنسیت مترجم، نشان داد میان ترجمه مترجم مرد از موضوعات مربوط به زنان و اعمال بار منفی در انتقال معنا رابطه مستقیمی وجود ندارد و مترجم مرد در بسیاری از موارد برخلاف مترجم زن با نگرشی مثبت نسبت به زنان به ترجمه پرداخته است.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، تحلیل انتقادی گفتمان، ایدئولوژی، جنسیت

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

کشورگشایی‌ها و گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف از جمله ایران و به تبع آن احساس نیاز ایرانیان به همگون‌سازی متون دینی با فرهنگ خودشان و نیاز مبرم آن‌ها به منابع دینی به زبان فارسی، یکی از عواملی بود که زمینه‌ساز ترجمه متون دینی گردید (شبلی، ۱۳۷۰). از نظر ناظمیان و حاج‌مؤمن (۱۳۹۲) متون دینی به دو نوع وحیانی و غیر وحیانی تقسیم می‌شوند که هر کدام با توجه به نوع متن راهکارهای ترجمه متفاوت دارند. از دیدگاه آن‌ها متون دینی وحیانی همچون قرآن را نمی‌توان تغییر داد و هرگونه تغییر در ظاهر آن‌ها منجر به تغییر معنا می‌شود لذا این متون تنها با پیش‌فرض‌های خاص ترجمه‌پذیر هستند و ترجمه آن‌ها درواقع نوعی تفسیر محسوب می‌شود اما متون غیر وحیانی همچون نهج‌البلاغه یا صحیفه سجاده به نسبت متون وحیانی از حساسیت کمتری در ترجمه برخوردارند و دست مترجم به نسبت در این متون بازتر است البته که به دلیل تقدس این متون ترجمه آن‌ها به نسبت دیگر متون از اهمیت و حساسیت بالاتری برخوردار است.

نهج‌البلاغه یکی از اصلی‌ترین منابع مکتب تشیع است که از دیرباز موردتوجه اسلام‌شناسان و مفسران مختلف بوده است و به دلیل جامعیت و ذکر مسائل و موضوعات گوناگون در آن، این کتاب از ارزش والایی نزد شیعیان برخوردار است. همچنین، این کتاب ارزشمند، پس از قرآن از جامع‌ترین منابع دین اسلام است که بشر را در ابعاد گوناگون هدایت می‌کند و به‌حق، لقب «اخ القرآن/ برادر قرآن» که حسینی شهرستانی (۱۹۵۱: ۱۲) در کتاب المعجزة الخالدة برآن گذاشته است، شایسته این کتاب مقدس و ارزشمند است که متأسفانه همه ابعاد آن هنوز در بین مسلمانان و شیعیان آن‌طور که باید و شاید بررسی نشده است.

این کتاب گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علی (ع) است که سید رضی در اواخر قرن چهارم آن‌ها را گرد هم آورده است. در عظمت و شگفتی این اثر جاودانه، همین بس که ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج‌البلاغه (۶۵۵، ج ۱: ۴۲) در

توصیف این کتاب ذکر کرده است: «كَلَامٌ فَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ وَ دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ»: کلامی که فراتر از کلام بشر و فروتر از کلام خداوند است.

امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در ستایش این مجموعه ارزشمند می‌فرماید: «ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات انسان است، از امام معصوم ماست» (خمینی، ۱۳۹۳).

از جمله بحث‌برانگیزترین موضوعات در نهج‌البلاغه، بخش‌های مرتبط با زنان است که واکنش‌های بسیاری را در پی داشته است. در ظاهر امر چنین پیداست که حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه با سخنان خود زنان را کم ارزش جلوه داده‌اند و آنان را مورد بی‌مهری خویش قرار داده‌اند، اما از آنجا که حضرت، خود از حافظان قرآن کریم بوده‌اند و خداوند متعال نیز در قرآن از زنان و مقام آن‌ها به بزرگی یاد کرده است، پس این نوع نگاه به زن، شایسته آن حضرت نیست و تناقض ایجاد می‌کند. از جمله بحث‌برانگیزترین این سخنان، بحث ناقص‌العقل بودن زنان در خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه است که پس از فراغ از جنگ جمل بیان شده است و به نقل از ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه به عایشه و عاملیت وی در جنگ جمل و کشته شدن مسلمانان برمی‌گردد «هذا كله رمز الى عایشه» (ابن ابی الحدید، ۶۵۵، ج ۶: ۲۱۴). البته درست است که خطبه ۸۰ ضعف سندی دارد و نظریات متفاوتی در مورد آن وجود دارد، اما با توجه به تکرار مضمون آن در نامه ۱۴ این کتاب، جای تعمق و تأمل بیشتری دارد و بسیاری درصدد کشف این مطلب و مضمون واژه نقصان، در این کتاب بوده‌اند و ازجمله قربان‌نیا و حافظی (۱۳۹۲) به تفصیل به این مطلب پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند نقصان عقل زنان در زمان حضرت علی و تنها کمی پس از عصر جاهلیت، موجه است و مرتبط با آن زمان است و در قرآن کریم هیچ آیه‌ای مبتنی بر نقصان ذاتی عقل زنان وجود ندارد؛ بلکه حضرت، فقط قصد داشتند با این مطلب جامعه را به سوی اصلاح هدایت کنند.

از این رو برای ترجمه درک سخنان حضرت علی (ع) نباید تنها به معنای لغوی آن بسنده کرد، بلکه اشراف پیدا کردن به مقصود حقیقی حضرت علی (ع) از بیاناتشان مستلزم تفاسیر و موشکافی‌های بسیاری است. در واقع، پیش از هر قضاوت و داوری باید در نظر گرفت از آنجا که سخن امام سخن حق است، پس چنین نگاهی به زن دور از شخصیت والای ایشان است و قطعاً حکمتی در سخنان آن بزرگوار پنهان است که نیاز به رمزگشایی‌ها و تفاسیر بسیاری دارد تا پرده از روی معنای ظاهری سخنان ایشان برداشته شود و باطن سخنان حضرت علی (ع) روشن گردد (ثقفی، ۱۳۹۹).

مطالعات بسیاری در حوزه ترجمه قرآن و مباحث زبان‌شناسی قرآن، صورت گرفته است و صد البته با توجه به عظمت قرآن، هنوز جای بسیاری برای پژوهش دارد؛ اما پس از مطالعه نهج‌البلاغه و بررسی مقالات پیرامون آن، دریافتیم که حول محور این کتاب به‌خصوص در حوزه مطالعات ترجمه، بسیار اندک کار شده است و جای آن در این حوزه بسیار خالی است. از ویژگی‌های بارز نهج‌البلاغه ترجمه‌های بسیاری است که از دیرباز تاکنون به خود اختصاص داده است.

مترجمان زیادی در عین داشتن شایستگی ترجمه، در باب ترجمه متون دینی به شیوه‌ای ترجمه نموده‌اند که با متن اصلی تفاوت‌های بسیاری دارد. دلیل این تفاوت‌ها گاه‌ا به دلیل تفاوت ساختارهای زبانی نیست و به زمینه ذهنی، فرهنگی، و اعتقادی مترجمان بستگی دارد. از همین روی، بر آن شدیم تا با بررسی بیشتر و مقایسه دو ترجمه متفاوت از نهج‌البلاغه، شیوه ترجمه حکمت‌ها، نامه‌ها و خطبه‌های مربوط به زنان را از دیدگاه یک مترجم زن و یک مترجم مرد بررسی کنیم تا دریابیم که نوع جنسیت مترجم و ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها تا چه اندازه در ترجمه آن‌ها تأثیر داشته است.

به‌یقین اگر زنان بیشتری در امر ترجمه نهج‌البلاغه گام برداشته بودند، نتایج این بررسی دقیق‌تر می‌بود و از جایگاه علمی‌تری برخوردار می‌شد، اما متأسفانه تعداد زنانی که این کتاب را ترجمه کرده‌اند، انگشت‌شمار است و گزینه‌های متعددی پیش‌رو نبود تا بنا به نیاز پژوهش، مترجم از بین آن‌ها گزینش شود و این امر خود محدودیت بزرگی اعمال کرد؛ از

طرفی یکی از بانوان مترجمی که اقدام به ترجمه این کتاب نفیس کرده است، طاهره صفارزاده است که ایشان هم تنها به ترجمه گزیده‌ای از نهج‌البلاغه اکتفا نموده‌اند و مباحث مربوط به زنان در این گزیده وجود ندارد، بنابراین با توجه به موضوع این پژوهش، مقایسه ترجمه ایشان با دیگری ممکن نبود.

از دیگر مشکلات در این پژوهش، عدم دسترسی به منابع کافی بود که این خود دایره مطالعاتی را تنگ‌تر کرد؛ از دیگر مترجمان زن در عرصه نهج‌البلاغه می‌توان به خدیجه سبزعلی پور اشاره کرد که نسخه ترجمه نهج‌البلاغه وی نیز علیرغم تلاش‌های بسیار یافت نشد. لذا با توجه به کاستی‌ها و محدودیت‌های فوق، تنها مترجم زن باقی‌مانده، ناهید آقامیرزایی، برای این پژوهش انتخاب شد.

برخلاف تعداد اندک مترجمان زن، مترجمان مرد بسیاری این مجموعه را ترجمه کرده‌اند که در این پژوهش، ترجمه یکی از آنان مورد بررسی قرار گرفته است، تا داده‌ها محدودتر و بررسی‌ها دقیق‌تر انجام شود.

از آنجایی که تعداد مترجمان مرد نهج‌البلاغه بسیار است و بررسی ترجمه یک‌به‌یک بخش‌های موردنظر از دریچه نگاه آن‌ها وقت زیادی را می‌طلبد، به دلیل ضیق وقت امکان بررسی تمامی ترجمه‌های نهج‌البلاغه مقدور نشد، در نتیجه تنها به بررسی ترجمه تعداد کمی از مترجمان بسنده و ترجمه محمد دشتی از میان آن‌ها، منبع بررسی پژوهش حاضر شد. دلیل این انتخاب این بود که، دو مترجم از دو برهه زمانی متفاوت نباشند تا دیدگاه‌های آن‌ها از هم دور نباشد و تفاوت‌های فرهنگی زیادی نداشته باشند تا پژوهش، نتایج دقیق‌تری داشته باشد.

از آنجا که هدف پژوهش، بررسی تفاوت ترجمه نهج‌البلاغه به دست یک مترجم مرد و یک زن، بنا بر جنسیت و ایدئولوژی آنان بود، برای بررسی ایدئولوژی در متن مبدأ و مقصد از مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرحزاد (۲۰۰۷) و در کنار آن راهکارهای دخل و تصرف ایدئولوژیک زوبرگا (۲۰۰۴) استفاده شده است تا تأثیر طرز فکر و جنسیت مترجمان بر نوع انتقال مفاهیم بررسی شود.

۱-۲- پیشینه پژوهش

لازم به ذکر است که پژوهش‌های متعددی در حوزه بررسی جنسیت، ایدئولوژی، گفتمان و ارتباط آن‌ها با متون دینی صورت گرفته است؛ اما در حوزه ترجمه نهج البلاغه و تفاوت ترجمه مترجمان زن و مرد آن، به‌ویژه در مورد جملات مربوط به زنان، پژوهشی یافت نشد. ازجمله پژوهش‌های انجام شده در محدوده این پژوهش، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

حراشه (۲۰۱۳)، از دانشگاه یرموک اردن، در پژوهشی با عنوان «ترجمه متون اسلامی و ایدئولوژی»، بر اساس روش تحلیل انتقادی گفتمان، ایدئولوژی مترجمان مسلمان را در ترجمه متون اسلامی بررسی می‌کند که غیرمسلمانان نوشته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که مترجمان بعد از واژگان خاصی همچون نام پیامبر، مکه، مدینه و مشابه این‌ها، واژه‌هایی را جهت ادای احترام به متن اصلی اضافه کرده بودند و یا واژه‌هایی را که معانی منفی به اعتقاداتشان نسبت می‌داد، حذف و یا با معادل دیگری جایگزین کرده بودند؛ درنتیجه ایدئولوژی مترجمان تأثیر بسزایی در ترجمه آن‌ها داشته است.

باستانی و دستوری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان» با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی ترجمه برخی از آیات قرآن توسط دو مترجم معاصر (طاهره صفارزاده و محمدمهدی فولادوند) پرداخته‌اند. هدف تحقیق بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان دو ترجمه معاصر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد باوجود محدودیت‌های ترجمه کتابی مقدس همچون قرآن هر یک از دو مترجم با استفاده از سازوکارهای گوناگون، سعی در برجسته‌سازی دال‌های گفتمان مطلوب خود و ساختارشکنی و حاشیه‌رانی دال‌های گفتمان مقابل دارند.

منافی اناری و قدرتی (۱۳۸۸)، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه» را با هدف پی بردن به نقش مترجم در درستی و صحت ترجمه انجام داده‌اند که نتیجه این پژوهش بیانگر این مسئله بود که صرفاً جنسیت مترجم نمی‌تواند دال بر صحت

ترجمه باشد و در مقایسه کار ترجمه‌ی یک مترجم زن و مرد نباید به جنسیت آن‌ها توجه کرد و باید به کیفیت عملکرد آن‌ها توجه کرد.

در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر جنسیت مترجم بر ترجمه از منظر تحلیل انتقادی گفتمان (مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان غرور و تعصب)»، احمدی (۱۳۹۱)، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان مترجمان زن و مرد در ترجمه اثری ادبی و ایدئولوژیک می‌پردازد. چارچوب موردنظر وی برگرفته از رویکرد پیشنهادی فرحزاد از تحلیل انتقادی گفتمان است. این تحقیق همچنین تلاش دارد تأثیر فرم متن مبدأ را بر گزینش‌های واژگانی و دستوری مترجمان زن و مرد در صورت آگاهی آنان از شأن تحکم‌آمیز متن مبدأ بررسی کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی کیفی و کمی در گزینش‌های مختلف واژگانی و دستوری این دو گروه وجود دارد. علاوه بر آن، ثابت می‌شود که هم زنان و هم مردان، گرایش به انتخاب گزینه‌هایی دارند که با فرم متن مبدأ همسان هستند اما تمایل مردان به این نوع گزینه‌ها نسبت به زنان بیشتر است.

قربان نیا و حافظی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به خطبه هشتم نهج‌البلاغه»، به بررسی خطبه ۸۰ و موضوع نقصان عقل زنان و دیدگاه‌های متفاوت در مورد آن می‌پردازند و روشن می‌سازند که نظریه نقصان عقل ذاتی زنان در راستای فرهنگ قرآنی، هیچ مستند مهمی ندارد، بلکه با تعمق در برخی از آیات قرآن کریم، به نظر می‌رسد علیرغم تفاوت‌های فراوانی که در خلقت زنان و مردان وجود دارد، زنان در عقل ذاتی هیچ نقصانی نسبت به مردان ندارند و هدف حضرت علی به هدایت افکار جامعه به این نوع نقصان، تنها آسیب شناسی اجتماع و در نتیجه هدایت افکار جامعه به سمت اصلاح آن بوده است.

همچنین اریس و هاشمی (۱۳۹۶)، مقاله‌ای با موضوع «تأثیر دیدگاه ایدئولوژیک مترجمان در ترجمه قرآن مجید» را ارائه داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر ایدئولوژی ناشی از جنسیت مترجم در ترجمه آیات مربوط به زنان در قرآن است که بر اساس مدل تحلیل انتقادی ترجمه خانجان (۱۳۹۰)، مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه این

پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی مترجمان تأثیر بسیار زیادی در ترجمه آن‌ها دارد و از آنجایی که متون دینی همچون قرآن از حساسیت بسیار زیادی برخوردار هستند، مترجمان این متون نیز نقش والایی در جذب و یا دفع انسان‌ها به ادیان دارند و مسئولیتی برابر با مسئولیت مبلغان دینی در جایگاه خود دارند.

۱-۳- پرسش پژوهش

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا به این دو پرسش پاسخ دهیم:

- ۱- آیا جنسیت و ایدئولوژی مترجم می‌تواند تفاوتی در ترجمه متن کتابی مذهبی همچون نهج‌البلاغه ایجاد کند؟
- ۲- مترجمان زن و مرد از چه دسته‌بندی‌هایی بر اساس مدل تحلیل انتقادی گفتمان فرحزاد و چه راهکارهایی بر اساس مدل زوبرگا در جهت اعمال ایدئولوژی خود استفاده کرده‌اند؟

۲- روش‌شناسی

برای دستیابی به پاسخ پرسش پژوهش، در ابتدا با رجوع به کتاب نفیس نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سخنان حضرت علی (ع) با محوریت زنان از بین تمام بخش‌های نهج‌البلاغه اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها جمع‌آوری شدند و سپس به جستجوی همین گروه از داده‌ها در ترجمه ناهید آقامیرزایی پرداخته شد. این‌گونه داده‌های خام پژوهش از دل نهج‌البلاغه بیرون کشیده شدند تا تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه آن‌ها بررسی شود. اگرچه نهج‌البلاغه کتابی نفیس و با موضوعات متعدد و چندین بعدی است، اما نظر به دغدغه این پژوهش، داده‌ها تنها از قسمت‌هایی از این کتاب جمع‌آوری شده‌اند که با موضوع پژوهش مطابقت دارند: «زنان».

مراحل تحلیل داده‌ها به شرح زیر است:

- در گام اول: پس از استخراج داده‌های پژوهش از دو ترجمه موردنظر هر کدام به‌تنهایی با متن اصلی مقایسه شدند.

- در گام دوم: ترجمه هر دو مترجم با یکدیگر مقایسه شدند.

- در گام سوم: هر دو ترجمه با متن اصلی مقایسه شده و عبارات یا واژگانی که بار جنسیتی داشته‌اند و یا این که مترجم بنا به خواسته و اعتقادات خود آن‌ها را به شیوه‌ای متفاوت و منحصر به دیدگاه خود ترجمه کرده، بررسی شدند.

- در گام چهارم: به دنبال پاسخ این پرسش رفتیم که آیا در جریان ترجمه و انتقال متن مبدأ به مقصد، ایدئولوژی مترجمان دخیل بوده است یا خیر.

این در حالی است که با توجه به این که نهج البلاغه اثری دینی است، مترجم اجازه دخل و تصرف چندان زیادی در ترجمه، جهت انتقال مفاهیم ندارد؛ باین وجود باز هم می‌توان ردپایی از جنسیت و ایدئولوژی مترجمان را در ترجمه یافت.

۳- چهارچوب نظری

بررسی این پژوهش بر مبنای دیدگاه انتقادی فرحزاد (۲۰۰۷) انجام شده است و از راهکارهای دخل و تصرف زوبرگا (۲۰۰۴) نیز در روند تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در ادامه به تفصیل، به این دو مقوله پرداخته شده است.

الف- مدل تحلیل گفتمان انتقادی^۱ فرحزاد:

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه است که بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی فرحزاد انجام می‌شود. در اصل این متد تحلیل به نورمن فرکلایف زبان‌شناس بریتانیایی تعلق دارد و فرحزاد (۲۰۰۷) آن را مبنای کار خود قرار داده است. وی معتقد است که انتخاب‌های مترجم در ترجمه، نتیجه اهداف ایدئولوژیک وی می‌باشند و فرکلایف (۱۹۹۵) نیز بر این باور است که ایدئولوژی عبارت است از: «معنا در خدمت قدرت». همچنین فرکلایف (۱۹۹۶) معتقد است ایدئولوژی و زبان، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند

و استفاده از زبان، عادی‌ترین شکل رفتار اجتماعی است در نتیجه در بسیاری از جوامع از ایدئولوژی در جهت اعمال قدرت استفاده می‌شود.

فرحزاد (۲۰۰۷)، معتقد است که تحلیل ایدئولوژیک در دو سطح خرد و کلان اتفاق می‌افتد. وی در مدل تحلیل گفتمان انتقادی خود در سطح خرد، مجموعه‌ای از راهکارها را ارائه داده است که نمایانگر چندی از شیوه‌های متفاوت ترجمه است که مترجمان در راستای اعمال ایدئولوژی خود آن‌ها را بکار می‌گیرند، این راهکارها در دو گروه اصلی گزینش واژگانی و گزینش نحوی تعریف می‌شوند. گزینش نحوی دربرگیرنده هفت راهکار است که به شرح زیر می‌باشند:

۱- تغییر در کنشگری^۲: در این روش مترجم فاعل جمله اصلی را تغییر می‌دهد تا نقش عامل دیگری را بر اساس ایدئولوژی خود، برجسته‌تر نشان دهد.

۲- اسم سازی^۳: طی آن مترجم فعل جمله را به صورت اسم ترجمه می‌کند تا به عمل اهمیت بیشتری ببخشد.

۳- مجهول سازی/معلوم سازی^۴: در جمله مجهول عملی که صورت گرفته حائز اهمیت است، بنابراین فاعل در جمله جایگاهی ندارد؛ اما در جمله معلوم، فاعل مورد توجه است و از اهمیت والایی برخوردار است. در این راهکار، مترجم در جهت اعمال ایدئولوژی خود، معلوم یا مجهول بودن جمله اصلی را در ترجمه خود تغییر می‌دهد.

۴- مثبت/ منفی^۵: در این راهکار مترجم برای نشان دادن جنبه دیگری از واقعیت، بخش مثبتی در متن اصلی را منفی ترجمه می‌کند (و یا برعکس).

۵- زمان^۶: گاهی مترجم بنا به دیدگاه خود زمان جمله اصلی را به دلایل مختلف در ترجمه تغییر می‌دهد.

۶- هم‌پایه‌ساز/ وابسته‌ساز^۷: استفاده از حروف ربط هم‌پایه‌ساز میان دو جمله، به جملات برابری می‌بخشد و آن‌ها را از اهمیت یکسانی برخوردار می‌سازد درحالی‌که در حروف ربط وابسته‌ساز این چنین نیست. گاه مترجم برای کم کردن اهمیت یک عمل، به جای حرف ربط وابسته‌ساز در ترجمه‌ی خود از هم‌پایه‌سازها استفاده می‌کند.

۷- وجهیت^۸: دیدگاه مترجم نسبت به میزان قطعیت گزاره را نشان می‌دهد، مترجم با تغییر در نوع جمله خبری، سؤالی و یا امری ایدئولوژی خود را اعمال می‌کند.

ب- دخل و تصرف^۹ ایدئولوژیک

دوکات (۲۰۰۷) به نقل از زوبرگا (۲۰۰۴)، دخل و تصرف در ترجمه را به دو شکل آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم می‌کند و بر این باور است که دخل و تصرفی که مترجم ناخودآگاه و غیرعمدی در ترجمه ایجاد می‌کند به مراتب خطرناک‌تر از دخل و تصرفی است که آگاهانه و بنا بر صلاح دید مترجم در ترجمه اعمال می‌شود. فرحزاد (۱۹۹۸) نیز معتقد است در روند دخل و تصرف آگاهانه، مترجم به دلایل مختلفی همچون عوامل سیاسی، اجتماعی و ... عمده در متن اصلی دست می‌برد و تغییراتی را در راستای اعمال ایدئولوژی خود مبنی بر عوامل فوق پدید می‌آورد.

دوکات (۲۰۰۷) به نظریه زوبرگا (۲۰۰۴) اشاره می‌کند که دخل و تصرف ایدئولوژیک در ترجمه را به راهکارهای زیر تقسیم کرده است:

۱- حذف^{۱۰}: اولین راهکار به حذف بخشی از جمله اصلی در ترجمه به دلایل مختلفی همچون اخلاقی و سیاسی می‌انجامد.

۲- جایگزینی^{۱۱}: طی این راهکار، مترجم به دلایل مختلفی اعم از اخلاقی و ایدئولوژیک لازم می‌داند که به جای بکار بردن معنای دقیق یک واژه، معادل متفاوتی را جایگزین آن کند.

۳- تضعیف^{۱۲}: در راهکار تضعیف، مترجم برای کلماتی با بار منفی زیاد و یا شدیدالحن و همچنین کلمات تابو و امثال این‌ها، معادل‌های مثبت‌تر و لطیف‌تری انتخاب می‌کند تا از شدت و تأثیر آن‌ها بکاهد.

۴- افزایش^{۱۳}: مترجم در این راهکار به دلایل مختلف به جمله اصلی بخشی را اضافه می‌کند و ایدئولوژی خود را در جمله اعمال کند.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرحزاد

۴-۱-۱- گزینش واژگانی^{۱۴}

خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ، شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ؛ الزُّهْوُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ (حکمت ۲۳۴).

- محمد دشتی: برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است: تکبر، ترس، بخل.

- ناهید آقامیرزایی: بهترین خصلت‌های زنان، زشت‌ترین خصلت‌های مردان است: به خود بالیدن، ترس و بخل.

همانطور که مشاهده می‌شود، دشتی «تکبر» را معادلی برای «الزُّهْوُ» در نظر گرفته است که دارای بار معنایی منفی است؛ درحالی‌که آقامیرزایی از معادل «به خود بالیدن» برای این واژه استفاده کرده است تا از بار معنایی منفی کلمه «تکبر» بکاهد که بررسی این بیان امام علی (ع) طبق شرح آیت‌الله مکارم شیرازی نشان می‌دهد که معادل تکبر به کلمه «الزُّهْوُ» نزدیک‌تر است؛ زیرا به عقیده آن حضرت که این پیام را جهت حفظ‌شان زن بیان کرده‌اند اگر زن در برابر مرد نامحرم تواضع داشته باشد و متکبر نباشد ممکن است به حریم وی تعرض گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۷۸۱). اما آقامیرزایی بنا به شخصیت و روحيات زنانه واژه به خود بالیدن را که نسبت به واژه تکبر لطیف‌تر است انتخاب کرده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُطُوظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ (خطبه ۷۹)

- دشتی: ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان و بهره‌وری از اموال و عقل،

متفاوت‌اند.

- آقامیرزایی: ای مردم، همانا که زنان ایمان ناقص و بهره ناقص و عقل ناقص دارند.

در این مثال مشاهده می‌شود که دشتی برای واژه «نَوَاقِصُ» معادل متفاوت را برگزیده است که از بار معنایی منفی واژه اصلی، بسیار کاسته است؛ اما آقامیرزایی معادل «ناقص» را برای این کلمه انتخاب کرده است که با خود بار معنایی منفی به همراه دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمان ایراد این خطبه به پس از جنگ جمل بازمی‌گردد که نقش اصلی این

جنگ را که باعث لطمه‌های جبران‌ناپذیری به اسلام شد، عایشه همسر پیامبر به عهده داشت. حضرت در این خطبه با بیان واژه «نواقص» به کاستی‌های زنان نسبت به مردان اشاره دارد که پیروی از آنان گاه به زیان ختم می‌شود. آنچه در این دو ترجمه مشهود است این است که آقامیرزایی نزدیک‌ترین معادل به واژه اصلی را برگزیده، اما دشتی از این نقص داشتن، تحت عنوان تفاوت داشتن، یاد کرده است که منظور اصلی حضرت را تا حدودی برساند و از افراط در این موضوع بکاهد.

و لَا تَهَيُّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَىٰ وَ إِن شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَّيْنِ أَمْرَأَكُم، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقَوَىٰ وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُولِ (نامه ۱۴)

- محمد دشتی: زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند.

- ناهید آقامیرزایی: و زنان را با زدن به هیجان میاورید اگر که آبرویتان بریزند و یا به امیران دشنام بدهند؛ زیرا که زنان در قدرت و جان و عقل ضعیف‌اند.

همان‌گونه که در این نمونه مشاهده می‌شود، دشتی برای واژه «بِأَذَى»، معادل «آزار دادن» و آقامیرزایی معادل «زدن» را برگزیده است. آنچه از مقایسه این دو ترجمه به دست می‌آید این است که دشتی با استفاده از معادل «آزار دادن» در ترجمه خود، سخن حضرت علی (ع) را به منع هر نوع آزار، اعم از آزار جسمی و روحی تعمیم داده است، درحالی‌که آقامیرزایی با به‌کاربردن معادل «زدن»، تنها به منع آزار جسمی و کتک زدن زنان اشاره می‌کند. همچنین در ادامه این نامه مشاهده می‌کنیم که دشتی برای واژه «ضَعِيفَاتُ» معادل کم‌توان و آقامیرزایی معادل «ضعیف» را انتخاب کرده است. واژه «ضعیف» در لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین، به معنای «ناتوان» است. پیشوند «نا» حرف نفی است و شدت بیشتری از ضعف و سستی را نسبت به پیشوند «کم» نشان می‌دهد. آنچه مشهود است این است که هر دو واژه یک معنا را بیان می‌کنند؛ اما دشتی معادل نسبتاً مثبت‌تری را در ترجمه خود برگزیده است.

اَكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ اَيَّاهُنَّ، فَاِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِنَّ، وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ اِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ، وَ اِنْ اسْتَطَعْتَ اَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ
(نامه ۳۱)

- دشتی: در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند، چنین کن!

- آقامیرزایی: و آن‌ها را در پرده نگهدار تا چشمشان به نامحرمان نیفتد، که در پرده بودن آن‌ها را بهتر نگاه دارد و بیرون رفتنشان از خانه بدتر نیست از به خانه آوردن کسی که به او اطمینان نداری و اگر توانی چنان کنی که جز تو را نشناسند این کار را بکن .

آنچه در این نمونه به چشم می‌آید، دو معادل متفاوتی است که مترجمان برای عبارت «مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ» برگزیده‌اند. معنای لغوی این عبارت «کسی که به اطمینان نداری»، است که آقامیرزایی نیز همین معادل را در ترجمه خود آورده است؛ اما دشتی در ترجمه خود، برای این عبارت، معادل «افراد غیر صالح» را انتخاب کرده است که بار منفی بیشتری را به همراه دارد و به افراد بدسرشت و فاسد نسبت داده می‌شود.

وَ اَكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ اَيَّاهُنَّ، فَاِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِنَّ (نامه ۳۱)
- محمد دشتی: در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.

- ناهید آقامیرزایی: و آن‌ها را در پرده نگهدار تا چشمشان به نامحرمان نیفتد، که در پرده بودن آن‌ها را بهتر نگاه دارد.

چنانکه در این نمونه دیده می‌شود، درحالی‌که آقامیرزایی برای «أَبْقَى» معادل «بهتر نگاه داشتن» را انتخاب نموده است، دشتی این کلمه را به صورت عبارت «عامل سلامت و

استواری» ترجمه کرده است. از منظر ایدئولوژیک، معادل «عامل سلامت و استواری» علاوه بر اینکه بر اهمیت عمل می‌افزاید و آن را پررنگ‌تر نشان می‌دهد، بار مثبت‌تری نیز دارد.

فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْءُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمْكُنْ مِنْ نَفْسِهَا، وَإِذَا كَانَتْ بِخَيْلَةٍ حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا، وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَغْرِضُ لَهَا (حکمت ۲۳۴)

- محمد دشتی: هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.

- ناهید آقامیرزایی: زمانی که زن به خود ببالد از نفسش تمکین نکند و اگر بخیل باشد نگه دارد مال خود و همسرش را و اگر ترسو باشد بترسد از هر چیزی که به او رو آورد.

چنانکه در این مثال مشاهده می‌شود، آقامیرزایی برای واژه «جَبَانَةً» معادل ترسو را برگزیده است. در لغت‌نامه دهخدا گفته شده است که حرف «و» انتهای صفت ترسو، ظاهراً نشانه کثرت است. همچنین در این لغت‌نامه برای بیان معنای این صفت، عبارت «بزدل آنکه از هر چیز کوچک و مختصر ترسد.» نیز آمده است. در نتیجه معادل ترسو، نمایانگر درجه زیادی از ترس است که از ضعف سرچشمه می‌گیرد و صفتی منفی به شمار می‌رود؛ اما دشتی معادل «ترسان» را برای این کلمه انتخاب کرده است که به گونه‌ای به ترس از سر احتیاط اطلاق می‌شود و ترس بی‌جهت از هر چیز کوچک و بزرگی را در برنمی‌گیرد. در نتیجه دشتی معادل مثبت‌تری را در ترجمه خود به کار برده است.

إِذَا بَلَغَ النِّسَاءُ نَصَّ الْحَقَاقِ، فَأَلْعَصَبَةُ أُولَى (غرائب کلامه، ج ۴: ۴۹۰)

- محمد دشتی: چون زنان بالغ شوند، خویشاوندان پدری برای سرپرستی آنان

سزاوارترند.

- ناهید آقامیرزایی: زمانی که زنان به نص الحقاق برسند خویشاوندان پدری آن‌ها را

اولی‌تر.

آنچه در این نمونه قابل توجه است این است که آقامیرزایی دو واژه «نَصَّ الْحَقَّاقِ» و «أُولَى» را ترجمه نکرده است و عیناً از متن مقصد به متن مبدأ منتقل کرده است که در صورتی که خواننده با زبان عربی آشنایی نداشته باشد، معنای جمله را به سادگی نخواهد فهمید، این در حالی است که دشتی معادل فارسی این کلمات را در ترجمه انتخاب کرده است که برای خواننده ملموس تر و از حیث ترجمه نیز صحیح تر است. بی شک ترجمه دشتی از این جمله در مقایسه با ترجمه آقامیرزایی بسیار قابل درک تر و روان تر عمل می کند.

۴-۱-۲- گزینش نحوی^{۱۵}

← مثبت / منفی

وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ (نامه ۳۱)

- محمد دشتی: کاری که برتر از توانایی زن است به او وا مگذار که زن، گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش و خشن.

- ناهید آقامیرزایی: و کاری را که خارج از توانایی زن است به دست او مده که همانا زن گلی است لطیف و پهلوانی است کارآمد!

در این مثال دیده می شود که دشتی عبارت «لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» را به همان شکل که در متن اصلی آمده، یعنی منفی ترجمه کرده است، درحالی که در ترجمه آقامیرزایی دیده می شود که ایدئولوژی مترجم و جنسیت وی بر شیوه ترجمه اش غالب شده و عبارت را مثبت ترجمه کرده است. آنچه مشهود است این است که حضرت بیان داشته اند که به زنان به واسطه لطافت و ظرافتشان نباید کارهای سخت محول کرد، زن مانند گل لطیف است و پهلوان نیست، اما آقامیرزایی بر این باور بوده است که درست است که زن همچون گل لطیف است، اما درعین حال پهلوانی کارآمد نیز هست و درواقع بخش دوم را احتمالاً به عمد اشتباه و مخالف متن اصلی ترجمه کرده است.

بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها و خطبه‌ها و ... _____ مینا زنده‌رحیمی و الهه آخوندی

فَاتَّقُوا شِرَارَ النَّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَدَرٍ، وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَظْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ (خطبه ۸۰)

- محمد دشتی: پس از زنان بد پرهیزید و مراقب نیکانشان باشید. در خواسته‌های نیکو، همواره فرمان‌بردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند.

- ناهید آقامیرزایی: پس پرهیز کنید از زنان بد و مراقب نیکانشان باشید و در کار نیک از آن‌ها اطاعت نکنید تا در کار زشت طمع نورزند.

در این نمونه دو معنی یکسان اما با دو فعل متضاد بیان شده است. همانطور که ترجمه‌ها مشخص است دشتی فعل منفی «لَا يَطْمَعَنَّ» را بی‌آنکه خللی در مفهوم ترجمه ایجاد کند مثبت ترجمه کرده است و با تغییر در شیوه خوانش جمله‌ها دیده می‌شود که دشتی با مثبت ترجمه کردن فعل، معنا را تغییر نداده است و هر دو جمله بیانگر یک پیام هستند.

فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَفَقُّوهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَأَمَّا نُقْصَانُ عَقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ (خطبه ۸۰)

- محمد دشتی: اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام «عادت حیض» آنان است و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال آن‌که ارث بانوان نصف ارث مردان است.

- ناهید آقامیرزایی: پس همانا نشانه نقصان ایمان آن‌ها در به‌جا نیاوردن نماز و روزه است به‌هنگامی که دچار حیض می‌شوند؛ و اما نقصان بهره آن‌ها نصف بودن سهم الارث آن‌ها نسبت به مردان است؛ و نقصان عقلشان به‌حساب آمدن دو زن شاهد به‌جای یک مرد است.

آنچه در این نمونه قابل توجه است تفاوت در ترجمه واژه «فَقُّوهُنَّ» است، بر اساس شرحی که آیت‌الله مکارم شیرازی در خصوص این خطبه نوشته‌اند، چون زنان در ایام

حیض دچار حالات بیماری و کسالت می‌شوند، خداوند آن‌ها را از انجام واجباتی چون نماز و روزه برکنار کرده است تا در این مدت به استراحت پردازند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۹۱). بنابراین دشتی با انتخاب معادل «برکنار بودن» این مفهوم را به خوبی منتقل کرده است، البته که می‌شد از واژه پریسامدی همچون «معاف بودن» نیز استفاده کرد؛ اما آقامیرزایی برای این واژه، معادل «به‌جا نیاوردن» را برگزیده است که بار منفی دارد و به شیوه‌ای پیام را به مخاطب منتقل می‌کند که گویی زنان برخلاف دستور الهی عمل می‌کنند و از انجام واجبات سرباز می‌زنند.

*هیچ موردی از دیگر راهکارهای تحلیل انتقادی گفتمان در تحلیل داده‌ها یافت نشد.

۴-۲- نظریه دخل و تصرف ایدئولوژیک زوبرگا (۲۰۰۴)

۴-۲-۱- افزایش

وَإِيَّاكَ وَ مَسَاوِرَةَ النِّسَاءِ، فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ (نامه ۳۱)

- محمد دشتی: در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان پرهیز که رأی آنان زود سست می‌شود تصمیم آنان ناپایدار است.

- ناهید آقامیرزایی: پرهیز از مشورت با زنان چون‌که آن‌ها سست‌رأیند و در تصمیم‌گیری ناتوان‌اند.

آنچه در این نمونه به چشم می‌آید اضافه شدن عبارت «امور سیاسی کشور» در ترجمه دشتی است، این در حالی است که آقامیرزایی متن اصلی را بدون هیچ کاستی یا افزونی ترجمه کرده است. اگرچه مفسران نهج‌البلاغه در بیان این نامه، حرفی از مشورت در امور سیاسی به میان نیاورده‌اند و بر واژه «مشورت» تأکید داشته‌اند، از ترجمه دشتی پیداست که وی برای انتقال این سخن تنها به ترجمه متن اصلی اکتفا نکرده است و دیدگاه خود را نیز اعمال کرده است تا این موضوع را به گونه‌ای منتقل کند که با زنان نه در همه‌ی امور، بلکه تنها در امور سیاسی مشورت نشود؛ بنابراین، دشتی کوشیده است تا پیام را به شیوه‌ای بیان کند که برای مخاطب عام قابل‌پذیرش‌تر باشد.

وَ إِنَّ النِّسَاءَ هُمُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْفَسَادُ فِيهَا (خطبه ۱۵۳)

- محمد دشتی: و زنان بی‌ایمان، تمام همتشان آرایش زندگی و فساد انگیزی در آن است.
- ناهید آقامیرزایی: و همانا همت زنان صرف زینت کردن حیات این دنیا و فساد کردن در آن است.

در این مثال نیز، همچون نمونه پیشین، صفت «بی‌ایمان» به ترجمه افزوده شده است که از لحاظ ایدئولوژیک می‌تواند به روشن‌سازی منظور حقیقی حضرت و جلوگیری از سوء برداشت‌ها منجر شود. در حالی که آقامیرزایی متن مبدأ را بدون هیچ تغییری به زبان مقصد ترجمه کرده است، دشتی با اضافه کردن صفت در ترجمه و دست بردن در متن اصلی دیدگاه خود را اعمال کرده است و بیان داشته که مقصود حضرت، تنها زنان بی‌ایمان است و کل جامعه زنان را شامل نمی‌شود.

إِذَا بَلَغَ النِّسَاءُ نَصَّ الْحَقَّاقِ، فَالْعَصْبَةُ أُولَى (غرائب کلامه، ج ۴: ۴۹۰)

- محمد دشتی: چون زنان بالغ شوند، خویشاوندان پدری برای سرپرستی آنان سزاوارترند.

- ناهید آقامیرزایی: زمانی که زنان به نص الحقائق برسند خویشاوندان پدری آن‌ها را اولی‌تر.

در مقایسه ترجمه‌های این نمونه دیده می‌شود که دشتی عبارت «برای سرپرستی» را در ترجمه خود اضافه کرده است، وی با افزودن این عبارت به ترجمه سعی بر این داشته است تا از ابهام جمله اصلی بکاهد و مقصود اصلی را روان‌تر بیان کند و به‌نوعی طبق تفاسیری که از این سخن وجود دارد، جمله را کامل‌تر کرده است.

وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ أَيُّهَا هُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ، وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثَقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ، وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ (نامه ۳۱)

- دشتی: در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند، چنین کن!

- آقامیرزایی: و آنها را در پرده نگهدار تا چشمشان به نامحرمان نیفتد، که در پرده بودن آنها را بهتر نگاه دارد و بیرون رفتنشان از خانه بدتر نیست از به خانه آوردن کسی که به او اطمینان نداری و اگر توانی چنان کنی که جز تو را نشناسند این کار را بکن.

در این مثال، پس از مقایسه ترجمه‌ها، در وهله اول مشاهده می‌شود که دشتی واژه «حجاب» را به ترجمه افزوده است تا از ابهام سخن بکاهد، معنای سخن را لطیف‌تر بیان کند و این‌گونه نشان دهد که مقصود از حجاب، پنهان کردن و حبس زنان نیست بلکه بر ضرورت حفظ پوشش آنان تأکید دارد. در قسمت آخر، دشتی عبارت «به‌گونه‌ای زندگی کن» را در ترجمه اضافه کرده است که نسبت به عبارت «اگر توانی چنان کنی» بار معنایی مثبت‌تری را داراست.

و لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ (نامه ۳۱)

- محمد دشتی: کاری که برتر از توانایی زن است به او وا مگذار که زن، گل بهاری است، نه پهلوانی سخت‌کوش و خشن

- ناهید آقامیرزایی: و کاری را که خارج از توانایی زن است به دست او مده که همانا

زن گلی است لطیف و پهلوانی است کارآمد

در این نمونه دیده می‌شود که دشتی صفات «سخت‌کوش و خشن» و آقامیرزایی صفت «کارآمد» را به ترجمه خود افزوده‌اند. آنچه آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۹۰، ج ۹: ۶۹۸) در توضیح این قسمت از نامه فرموده‌اند، این مطلب است که زنان به علت لطافت روحی و ظرافتی که دارند نمی‌توانند کارهای خشن و امور طاقت‌فرسا را انجام دهند، دشتی نیز با افزودن این دو صفت، سعی بر این داشته است تا سخن حضرت علی (ع) را به‌گونه‌ای به

بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها و خطبه‌ها و ... _____ مینا زندرحیمی و الهه آخوندی

مخاطب القا کند که زنان، پهلوانان خشن با توان بدنی بالا نیستند و نباید کارهای خشن و سخت را به آنان محول کرد. درحالی‌که آقامیرزایی با اعمال ایدئولوژی خود، بیان داشته است که زنان در عین لطافت پهلوانانی فعال و کارآزموده نیز هستند که این دیدگاه با تفاسیر این سخن هرگز مطابقت ندارد.

فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ، وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَظْمَنَنَّ فِي الْمُنْكَرِ (خطبه ۸۰).

- محمد دشتی: پس از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکانشان باشید. در خواسته‌های نیکو، همواره فرمان‌بردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند.

- ناهید آقامیرزایی: پس پرهیز کنید از زنان بد و مراقب نیکانشان باشید و در کار نیک از آن‌ها اطاعت نکنید تا در کار زشت طمع نورزند.

همانگونه که در این مثال دیده می‌شود، دشتی واژه «همواره» را به ترجمه خود افزوده است تا نشان دهد که مقصود حضرت، نهی از اطاعت همیشگی و بی‌چون و چرا در همه امور بوده است و هرگز به این معنا نیست که تحت هیچ شرایطی هرگز نباید از زنان فرمان‌برداری کرد، از منظر ایدئولوژیک این شکل از ترجمه بار مثبت‌تری را به جمله بخشیده و در عین صحیح‌تر بودن، برای مخاطب نیز قابل‌پذیرش‌تر است.

۴-۲-۲- حذف

الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ، حُلْوَةُ اللَّسْبَةِ (حکمت ۶۱)

- محمد دشتی: نیش زن شیرین است.

- ناهید آقامیرزایی: زن کژدمی است که گزیدنش شیرین است.

در این مثال دیده می‌شود که دشتی در ترجمه خود واژه «عَقْرَبٌ» را ترجمه نکرده است درحالی‌که آقامیرزایی معادل کژدم را برای آن برگزیده است. از لحاظ ایدئولوژیک حذف عَقْرَب از جمله موجب می‌شود که خواندن این سخن از حضرت علی (ع)، واکنش منفی

مخاطب را در پی نداشته باشد، مزیت دیگر این راهکار این است که با مستقیماً نسبت ندادن واژه عقرب به زنان، کرامت زنان نادیده گرفته نشده است و در نتیجه ترجمه‌ای خوشایندتر است.

۴-۲-۳- تضعیف

الْمَرْأَةُ شَرٌّ كُلُّهَا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا. (حکمت ۲۳۸)

- محمد دشتی: زن و زندگی هم‌اش زحمت و دردسر است و زحمت بارترا این‌که چاره‌ای جز بودن با او نیست.

- ناهید آقامیرزایی: همه‌چیز زن بد است و بدترین چیز که در اوست آن است که چاره‌ای نیست از او.

در این نمونه برای کلمه «شَرُّ» آقامیرزایی معادل «بد» را انتخاب کرده است که ذاتاً کلمه‌ای منفی است و با نسبت دادنش به زنان، گویی تمام ابعاد وجودی زن زیر سؤال برده می‌شود، اما دشتی با تکیه بر شرح و تفسیر این حکمت، معادل «پر زحمت» را برای این واژه انتخاب کرده است که شکل ضعیف شده‌ای برای صفت بد به حساب می‌آید و به اندازه کلمه «بد» بار منفی ندارد. از طرفی دشتی اسم را به فعل تبدیل کرده است و به جای «از او» عبارت «بودن با او» را بکار برده است که این نیز راهکاری است که در راستای کمرنگ کردن اثر منفی این عبارت در مخاطب عمل می‌کند. از نظر ایدئولوژیک استفاده دشتی از این راهبردها در ترجمه‌اش، از افراط ظاهری موجود در این حکمت کاسته و آن را به محدوده تعادل نزدیک‌تر می‌سازد، در نتیجه به درک صحیح و عدم ایجاد دیدگاه منفی در مخاطب می‌انجامد.

۴-۲-۴- جایگزینی

غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ، وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ (حکمت ۱۲۴)

- محمد دشتی: غیرت زن، کفر آور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

– ناهید آقامیرزایی: غیرت زن کفر است و غیرت مرد ایمان.

در این قسمت همانگونه که مشاهده می‌شود، دشتی برای واژه‌های «کفر» و «ایمان» معادل‌های «کفر آور» و «نشانه ایمان» را انتخاب کرده است؛ که این جایگزینی از لحاظ ایدئولوژیک می‌تواند نمایانگر این مطلب باشد که غیرت برای زنان و مردان مطلقاً مساوی با کفر و ایمان نیست، بلکه برای زنان زمینه‌ساز کفر و برای مردان تنها یکی از نشانه‌های ایمان است.

۵- یافته‌های پژوهش

هدف از انجام این پژوهش بررسی ایدئولوژی‌های نهفته در دو ترجمه از حکمت‌های مربوط به زنان در نهج البلاغه و تأثیر جنسیت در آنان است. یافته‌ها حاکی از آن است که در ترجمه‌هایی که از متون ترجمه نهج البلاغه استخراج شده‌اند، ایدئولوژی مترجمان جایگاه ویژه‌ای را در ترجمه‌ها به خود اختصاص داده است که اعمال آن‌ها هم در بردارنده بار منفی و هم مثبت می‌باشند. درحالی‌که انتظار می‌رود ترجمه مترجم مرد از حکمت‌های مربوط به زنان، به جهت تفاوت جنسیتی، همواره نشان‌دهنده ایدئولوژی با بار منفی باشد، در روند تحلیل داده‌ها دیده شد که درحالی‌که دخل و تصرف در ترجمه‌ها از سمت هر دو مترجم مرد و زن صورت گرفته است؛ با این حال در بسیاری از موارد برخلاف انتظار، مترجم مرد نسبت به مترجم زن منعطف‌تر با جملات و واژگان جنسیتی برخورد کرده، به تلطیف آنان پرداخته و نگرش مثبتی نسبت به جملات داشته است.

در این پژوهش ۱۹ مورد از خطبه‌ها، حکمت‌ها و نامه‌های نهج البلاغه بررسی شد که بر مبنای دیدگاه گفتمان انتقادی فرحزاد (۲۰۰۷) و نظریه زوبرگا (۲۰۰۴) در شش شاخه: انتخاب واژگانی، مثبت- منفی، افزایشی، حذف، تضعیف و جایگزینی تفکیک شده‌اند.

بررسی این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مترجمان بر اساس نگرش و دیدگاه‌های فکری مختص به خود، انتخاب‌های متفاوتی را در ترجمه انجام می‌دهند و در بسیاری از موارد،

ایدئولوژی خود را در ترجمه اعمال می‌کنند. اگرچه امکان دخل و تصرف در متون مذهبی در مقایسه با متون غیرمذهبی از محدودیت‌های بیشتری برخوردار است، اما این امر به این معنا نیست که ایدئولوژی مترجم هیچ تأثیری بر ترجمه متون مذهبی نخواهد داشت. همان‌گونه که دیده شد ترجمه نهج‌البلاغه نیز از این موضوع مستثنا نبوده است و مترجمان با تغییرات آگاهانه یا غیرآگاهانه خود، جملات را به شکل متفاوتی ترجمه کرده‌اند و تغییرات مثبت و منفی را در روند انتقال معانی به وجود آورده‌اند.

بدیهی است که مترجمان از راهکارهای ایدئولوژیک در ترجمه‌های خود به نسبت مساوی استفاده نمی‌کنند و برای هر متن با توجه به ویژگی‌ها و شرایط آن راهکارهای متفاوتی را برای ترجمه به کار می‌گیرند. همان‌گونه که در مقایسه داده‌های پژوهش حاضر دیده شد، در ترجمه جملات نهج‌البلاغه از شماری از راهکارها به‌کرات و از بعضی راهکارها هرگز استفاده نشده است.

از ۱۹ داده این پژوهش، راهکارهای گزینش واژگانی ۷ مورد، افزایش ۶ مورد، مثبت و منفی ۳ مورد، حذف، تضعیف و جایگزینی هرکدام ۱ مورد از نمونه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و از مابقی راهکارهای فرحزاد نیز هیچ نمونه‌ای در پژوهش یافت نشد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر راهکارهای گزینش واژگانی و پس‌از آن افزایش، از بیش‌ترین بسامد برخوردار بوده‌اند.

نهج‌البلاغه اثری جاودانه و دریای بی‌کرانی از دانش و حکمت است و درک سخنان آن، تنها با مطالعه معنای ظاهری آن ممکن نیست و به تأملی عمیق نیازمند است. از آنجایی که مترجم نقش بسیار زیادی در انتقال معنا دارد، در مقایسه این داده‌ها مشاهده شد که در ترجمه برخی از این جملات، مترجم با انتخاب‌های خود به درک بهتر مخاطب کمک کرده و از برخی ابهامات پرده برداشته است.

همان‌گونه که ملاحظه شد، محمد دشتی نسبت به ناهید آقامیرزایی سعی بیش‌تری در رفع ابهامات و یا تلطیف کردن جملات داشته است و با اعمال ایدئولوژی خود و تکیه‌بر تفاسیر نهج‌البلاغه، رنگ دیگری به ترجمه خود داده است که در بسیاری از موارد منجر به

درک بهتر مخاطب از سخنان می‌شود و مخاطب را به مطالعه نهج‌البلاغه ترغیب می‌کند، این در حالی است که بنا به جنسیت دشتی انتظار می‌رفت در ترجمه سخنان مربوط به حوزه زنان، مترجم مرد با لحنی تندتر عمل کند و هیچ تلاشی در جهت رفع ابهام از سخنان بکار نگیرد.

برخلاف دشتی، مترجم زن، آقامیرزایی، در اکثر موارد به ترجمه تحت‌اللفظی اکتفا نموده است و از آنجایی که احتمال برداشت‌های غلط و زن‌ستیزانه از مطالعه ترجمه تحت‌اللفظی نهج‌البلاغه وجود دارد، ممکن است مخاطب را نسبت به این اثر فاخر بدبین کند.

جدول ۱- بررسی بسامد راهکارها بر حسب درصد

بسامد بر حسب درصد	راهکارهای فرخزاد و زوبرگا
۳۷٪	گزینش واژگانی
۱۶٪	مثبت/منفی
۳۲٪	افزایش
۵٪	حذف
۵٪	تضعیف
۵٪	جایگزینی
۱۰۰٪	مجموع

جدول فوق نمایانگر آن است که در اعمال تفاوت‌های ایدئولوژیک در ترجمه حکمت‌های حوزه زنان در نهج‌البلاغه، «راهبردهای گزینش واژگانی» با ۳۷٪، «افزایش» با ۳۲٪، «مثبت/منفی» با ۱۶٪ و پس‌از آن «حذف»، «تضعیف» و «جایگزینی» هرکدام به میزان ۵٪ به‌کار گرفته شده است و مابقی راهکارهای پیشنهادی فرخزاد در تحلیل داده‌ها به چشم نخورده است.

۶- نتیجه‌گیری

آنچه ملاحظه شد تنها بررسی نمونه‌هایی از ترجمه‌های نهج‌البلاغه بود که با هدف بررسی تأثیر ایدئولوژی و جنسیت در آنان در چارچوب مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرحزاد (۲۰۰۷) و دخل و تصرف ایدئولوژیک زوبرگا (۲۰۰۴) انجام شد.

۱. طی این پژوهش در وهله اول این پرسش مطرح شد که آیا جنسیت و ایدئولوژی مترجم می‌تواند تفاوتی در ترجمه متن اصلی ایجاد کنند یا خیر؟

با بررسی‌های انجام‌شده، بر این امر واقف گشتیم که درکل ایدئولوژی مترجمان و نگرش جامعه به‌صورت آگاهانه و یا غیرآگاهانه بر ترجمه تأثیر بسیاری دارد. بنابر اهمیت والای متون مذهبی، حساسیت اعمال ایدئولوژی مترجمان در این متون همچون نهج‌البلاغه نسبت به متون غیرمذهبی بیشتر است؛ زیرا ترجمه ایدئولوژیک مفاهیم و یا دخل و تصرف نابجا در آنان گاهی منجر به برداشت‌های زن‌ستیزانه و غلط از سخنان حضرت علی (ع) می‌شود و حتی ممکن است دین و پیکره آن دچار آسیب جدی شود؛ اما از سوی دیگر، گاهی مترجم دخل و تصرف‌هایی را بر اساس دیدگاه خود و تفاسیر نهج‌البلاغه در ترجمه اعمال می‌کند که درک صحیحی به مخاطب می‌بخشد و نگرش مثبتی را در مخاطب نسبت به کلام امیرالمؤمنین (ع) ایجاد می‌کند.

همچنین با بررسی‌های انجام‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که جنسیت مترجم نقش اثرگذاری را در انتقال مفاهیم ایفا نمی‌کند، برای مثال انتظار می‌رفت که مترجم زن در ترجمه سخنان امام علی (ع) پیرامون زنان که بعضاً بنا به اقتضای زمان با لحن سختگیرانه ای بیان‌شده‌اند، ترجمه لطیف‌تری را با توجه به یکسان بودن جنسیت ارائه دهد که برای جامعه زنان مطلوب و قابل‌پذیرش باشد اما با مقایسه ترجمه دو مترجم، مشخص گردید که در بسیاری از موارد محمد دشتی برخلاف ناهید آقامیرزایی، لحن لطیف‌تری را در ترجمه خود برگزیده است و این فرضیه را نفی می‌کند که جنسیت مترجم بر نحوه ترجمه اثرگذار می‌کند.

۲. در وهله دوم به بررسی این پرسش که مترجمان از چه راهبردهایی در جهت اعمال ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند، پرداخته شد. طبق بررسی‌های صورت گرفته، مترجمان از راهبردهای گزینش واژگانی و مثبت- منفی فرحزاد و همچنین راهبردهای حذف، جایگزینی، افزایشی و تضعیف زوبرگا در ترجمه خود استفاده کرده‌اند و نتایج حاکی از آن است که در این میان، راهبردهای گزینش واژگانی و افزایشی از بسامد بیش‌تری در جهت اعمال ایدئولوژی مترجمان برخوردار بوده‌اند.

۷- پی‌نوشت‌ها

1. Critical discourse analysis
2. Agency
3. Nominalization
4. Passivization/activation
5. Positive/negative
6. Tense
7. Subordination/coordination
8. Modality
9. Manipulation
10. Deletion
11. Substitution
12. Attenuation
13. Addition
14. Lexical choices
15. Grammatical choices

۸- منابع

- ۱- ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار مکتبه الحیة، (۶۵۵ق).
- ۲- احمدی، محمدهادی، «بررسی تأثیر جنسیت مترجم بر ترجمه از منظر تحلیل انتقادی گفتمان» (مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان غرور و تعصب)، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، بیرجند، دانشگاه بیرجند، (۱۳۹۱ش).

- ۳- اریس، آزاده و هاشمی، محمدرضا، «تأثیر دیدگاه ایدئولوژیک جنسیت مترجمان در ترجمه قرآن مجید»، *مطالعات ترجمه*، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۲۳-۳۹، (۱۳۹۶ش).
- ۴- باستانی، سوسن، دستوری، مژگان، «بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان»، *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۳۰، ۵-۳، (۱۳۸۶ش).
- ۵- ثقفی، علی، «زن در نهج البلاغه و چالش های پیش رو»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (پرتال امام خمینی)، (۱۳۹۹ش).
- ۶- حسینی شهرستانی، سید هبة الدین، *المعجزة الخالدة*، کاظمین، مکتبه الجوادین العامه، (۱۹۵۱م).
- ۷- خمینی، روح الله، *وصیت نامه الهی- سیاسی*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۹۳ش).
- ۸- شبلی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*. تهران: نگاه معاصر، (۱۳۷۰ش).
- ۹- قرباننیا، ناصر، حافظی، معصومه، «نقد و بررسی دیدگاههای مربوط به خطبه هشتادم نهج- البلاغه»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال پانزدهم، شماره ۶۰، ۷-۴۰، (۱۳۹۲ش).
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، *پیام امیرالمؤمنین (ع)*، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، (۱۳۹۰ش).
- ۱۱- منافی اناری، سالار و قدرتی، ملیحه، «نقش جنسیت مترجم در صحت ترجمه»، *پژوهش زبان های خارجی*، شماره ۵۴، ۱۵۵-۱۴۳، (۱۳۸۸ش).
- ۱۲- ناظمیان، رضا و حاج مؤمن، حسام، «ساخت و بافت در ترجمه متون دینی بررسی مقایسه ای دو ترجمه از نهج البلاغه (شهیدی و دشتی)». *ادب عربی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)*، شماره ۵(۱)، ۲۳۷-۲۵۴، (۱۳۹۲ش).

- 13- Al- Harahsheh, A. Translation of Islamic Texts and Ideology. *Arab World English Journal*, 2, 107-117, (2013).
- 14- Dukate, A. Manipulation as a Specific Phenomenon in Translation and Interpreting. *Faculty of Modern Language*, 55-56, (2007).
- 15- Farahzad, F. A Gestalt Approach To Text Manipulation In Translation. *Studies in Translation Theory and Practice*, 6(2), 153, (1998).
- 16- Farahzad, F. Translation criticism: A CDA Approach. *Translation Studies*, 5(17), 43-46, (2007).
- 17- Fairclough, N. *Media discourse*. London: Longman, (1995).
- 18- Fairclough, N. *Language and Power*. London: Longman, (1996).

بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها و خطبه‌ها و ... _____ مینا زندرحیمی و الهه آخوندی

19- Zauberga, I. *Theoretical Tools for Professional Translators*. Rīga: N.I.M.S, (2004).